

دلیر مردان آذربایجان غربی

(ایل قاراپایاق سولدوز، همیشه سنگر در مقابل زورگویان)

تألیف:

بهمن بهرامپور

هنگامی که به ملت صلح‌جو رستم، ایران می‌نگرم، چون عملاً الهام‌بخش این کتاب، شعر این مردم بوده است. باید به دوران آغازین آن بازگردیم تا بتوانیم تا حاص آن را دریابیم. برای تاریخ‌نویس معاصر، همیشه این نکته شگفت‌انگیز است که چگونه به‌رغم این که کشوری استیلا در دست دشمنانش ویران شده است، همواره توانسته نوعی قدرت هسته ملی را در منحنی حفظ کند و آنگاه پیش از آنکه دریابیم، ناگاه این پدیده قومی دیرپا و دیرآشنای (ایل قاراپایاق سولدوز در بدترین شرایط ای نشانگران زورگویان کفر جهانی و داخلی، در صفوف مقدم شهید و یا معلول شده‌اند).

برای اتمام این کتاب تا نزدیک نماز صبح می‌نوشتم و خواب برایم راه می‌گفت، می‌خواست قلم خواب‌آلود مرا از دستم بگیرد، اما قلم برایم زور می‌گفت و گفت زور باش بنویس: از نامردی‌های عبیدالله‌ها - قتل‌عام جیلوها و سیمیتقوها و برای مردم بی‌دفاع آذربایجان غربی (ارومیه - سلماس کهنه شهر - قاراباغ و ایل قاراپایاق سولدوز) در مقابل زورگویان: روسیه - ارمنه - جیلوها و عثمانیها.

سرشناسه	: بهرامپور، بهمن، ۱۳۲۹ -
عنوان و نام پدیدآور	: دلیر مردان آذربایجان غربی (ایل قاراپاپاق سولدوز، همیشه سنگر در مقابل زورگویان) /نویسنده بهمن بهرام پور.
مشخصات نشر	: نفقه: سولدوزبایجان ۱۳۹۵ -
مشخصات ظاهری	: ۴۱۶ ص
شابک	: 978-600-7388-24-2
وضعیت	: فیا
فهرست‌نویسی	
موضوع	: قاراپاپاق
موضوع	: karapapaks (Turkic people)
موضوع	: سولدوز
موضوع	: Sulduz (Iran)
رده‌بندی کنگره	: ۱۵۰۰۱۵ ق ۳۷ ب / DSR۷۲
رده‌بندی دیویی	: ۹۰۰/۹۰۰
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۶۰۰۱

انتشار انستیتو سولدوزبایجان

عنوان کتاب: دلیر مردان آذربایجان غربی (ایل قاراپاپاق سولدوز، همیشه سنگر در مقابل زورگویان)
نویسنده: بهمن بهرام پور
ناشر: سولدوزبایجان
قطع: وزیری
چاپ اول: ۱۳۹۶
شابک: ۲-۲۴-۷۳۸۸-۶۰۰-۹۷۸
قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ است.

فهرست مطالب

۱۴ مقدمه
۲۱ قاراپایاق
۲۴ شناسایی اصل و نسب و طوایف تورکها
۲۴ قبیله‌های اوغوز
۲۷ داستان قدسی اوغوزخان
۲۷ مختصری از کتاب
۲۸ آیین و مرام اوغوزها
۲۹ مهاجرت اوغوزها به ماوراءالنهر
۲۹ شهرنشینی و کشاورزی اوغوزها در ماوراءالنهر
۳۰ سلسله‌های سلجوقیان و آق‌قویونلوهای اوغوز
۳۱ امپراتوری گؤگ‌ترکها و اقوام اوغوز
۳۱ اوغوزهای مسلمان
۳۲ معانی اوغوز
۳۲ امپراتوری شرقی و غربی گؤی‌تورک (گؤگ‌تورکها)
۳۳ مرکزیت تالاس و اوتوکن
۳۳ حکومت مجدد قوم اوغوز
۳۳ الفبای اورخون
۳۴ اوغوزهای ناحیه سیحون
۳۴ حکومت سامانیان و اوغوزها
۳۴ استقرار اوغوزها و اوغوزها در مانتشلاق یا دهستان آترک
۳۵ مخالفت اوغوزها با سلجوقیان در ری
۳۵ حضور اوغوزها در فارس در سپاه آل‌بویه
۳۵ پیشینه ترکهای کوشان (کشانی) یا بخارا ماوراءالنهر
۳۵ موقعیت‌های جغرافیایی و اقتصادی ماوراءالنهر

- نام‌های مختلف قوم قایی و شهر «کش» یا «قش» ماوراءالنهر ۳۸
- حضور قوم قایی یا شایی در استان فارس ۳۸
- سرکوبی ایل‌های قشقایی ۴۴
- نقش انگلیس‌ها و قوام‌الملک در تضعیف ایل‌های قشقایی ۴۵
- وضعیت عمومی ایل‌های قشقایی در ۱۲۵۶ ه. ق ۴۵
- ایجاد نفاق و دودستگی به‌وسیله انگلیسی‌ها در خاندان قشقایی ۴۸
- نام طایفه ایماق داراشورلو از ایل‌های قشقایی به لفظ تُوَرکی ۵۳
- طایفه سامدان از ایل قشقایی عبارتند از ۵۳
- طایفه شش بلوکی «قُرت» از ایل قشقایی عبارتند از ۵۳
- طایفه (اَیماق) بَرگ، کَسْگُول از ایل‌های قشقایی به لفظ تُوَرکی ۵۶
- قیام آذربایجان ۵۷
- مقدمه ۵۷
- اصل قضیه ۵۸
- ورود به تبریز ۵۹
- سه روایت مختلف ۶۷
- توقیف والی آذربایجان ۶۸
- نظام متحدالشکل ۶۸
- والی جدید آذربایجان ۷۳
- مسافرت پهلوی به خراسان و خلع درجه فرمانده لشکر ۷۸
- ایل قارااباق در سولدوز ۸۵
- حمله‌های تُرک به خاورمیانه ۸۷
- جواب به نویسنده تاریخ سیاسی کردها ۸۸
- تأسیس دولت ایران ۹۳
- صفویان و تغییر شرایط جمعیت شناختی غرب و شمال آذربایجان ۹۶
- استقرار ایل افشار در اورمیه ۱۰۳
- شکست ایلات گُرد ۱۰۵
- عصر صفوی - شاه اسماعیل صفوی ۱۱۱

- ۱۱۱ کرد از دیدگاه قزلباش (۹۱۲ ق)
- ۱۲۱ شاه‌عباس کبیر
- ۱۲۳ عسگر خان افشار
- ۱۲۶ جماعت اکراد، باعث وقوع فتنه و فساد (۱۲۳۸ ق)
- ۱۳۴ همکاری ترک و روم، میر رواندوز (۱۲۴۵ ق)
- ۱۴۲ فرهاد میرزا معتمدالدوله
- ۱۴۴ ایل جاف، زنده‌به‌گور
- ۱۴۵ عباس میرزا یک آرا
- ۱۴۹ حسنعلی خان وزیر قواید
- ۱۵۴ نظام‌السلطنه
- ۱۵۶ عصر پهلوی
- ۱۵۷ آغاز شکوفایی احساسات ملی کر
- ۱۵۸ اسلام و دولت
- ۱۶۱ اساس راهبرد حرکت ملی واهی شیخ
- ۱۶۲ فعالیت‌های سیاسی
- ۱۶۲ سازماندهی مردم کردستان
- ۱۶۳ ماجرای شیخ عبدالله کرد
- ۱۷۲ حاج میرزا فضل‌الله آقا
- ۱۷۳ میرزا عبدالحسین خان میرینج
- ۱۷۷ در دارالسلطنه تبریز
- ۱۷۹ دارالنشاط ارومی (ارومیه)
- ۱۸۲ تفصیل وضع اهالی و ژئوگرافی ارومیه و محلات آن
- ۱۸۹ دارالحکومه خوی و سلماس
- ۱۹۱ اقدامات والی در خوی
- ۱۹۵ ژئوگرافی خوی و سلماس
- ۱۹۹ سفر به تکان تپه (تکاب) و صائین قلعه
- ۲۰۲ بازگشت به دارالنشاط: ارومی و نبرد قلعه جرمی

۲۱۱	رویدادهای تاریخی آذربایجان غربی
۲۱۱	آغاز جنگ جهانی روس ها
۲۱۱	نهضت مشروطه
۲۱۲	کشمکش های مرزی
۲۱۳	تزار روس ها
۲۱۳	پیشروی عثمانی ها
۲۱۴	وقایع مهاباد
۲۱۵	حکومت بعثت الدوله
۲۱۶	انقلاب روسیه
۲۱۷	غارت بازار
۲۱۷	ادامه آتش سوزی بازار
۲۱۸	امیدواری بی حاصل
۲۱۹	صلیب احمر فراتسه
۲۲۰	دموقرات ها
۲۲۰	تسلیح مسیحیان
۲۲۱	در پی دل واپسین
۲۲۱	سخنرانی اجلال الملک
۲۲۳	اولین حمله
۲۲۵	در محاصره مسلمانان
۲۲۶	سخنرانی مستر شت
۲۲۷	مردگان و خسارات
۲۲۸	هوشدار
۲۲۹	خلع سلاح
۲۳۰	پناهگاه های معدود
۲۳۱	خلع سلاح قزاق ها
۲۳۱	صلیب احمر نظامی
۲۳۲	آوارگی روستاهای تابعه

۲۳۴	پایان ایستادگی
۲۳۵	زدو خورد سنگین در سولدوز (نقده)
۲۳۷	تعداد کشته‌شدگان
۲۳۸	اعتراض مردم کردستان
۲۳۸	گزارش عینی
۲۳۹	اعلامیه حزب دمکرات
۲۳۹	تلگرام جمعیت کردها
۲۴۰	تلاش برای آتش‌بس
۲۴۰	پاسداران ارمنیه به نقده رفتند
۲۴۱	طرفین متخاصم نقده را تروا کردند
۲۴۱	رئیس ستاد لشکر ۳۴ برزمیه
۲۴۴	تشییع جنازه در مهاباد
۲۴۴	پیام آیت‌الله طالقانی به مردم نقده
۲۴۵	راه‌پیمایی اعتراضی در رضایه
۲۴۶	شرکت در میتینگ‌ها باید بدون اسلحه باشد
۲۴۶	کمک افراد لشکر ۲۸ به اهالی سولدوز
۲۴۶	سولدوز پنج روز پس از بیکار
۲۴۷	آمار تلفات واقعه خونین نقده
۲۴۸	شایعه مسمومیت آب
۲۴۸	آمار تلفات واقعه خونین نقده
۲۵۰	بررسی اوضاع سولدوز (نقده)
۲۵۲	نویسنده در میان مردم می‌باشد
۲۵۳	توطئه‌های امپریالیسم در حوادث نقده محکوم شد
۲۵۴	ژاندارمری در نقده مستقر می‌شود
۲۵۵	جنگ «ترک» و «کرد» توسط امپریالیسم است
۲۵۶	درگیری در شهر نقده
۲۵۶	صداهای مرموز

- ۲۵۷..... زدو خورد با نظامیان
- ۲۵۷..... اعلامیه آتش بس دیگر
- ۲۵۸..... وظیفه ارتش در نرده
- ۲۵۸..... عزیمت پاسداران
- ۳۰۲..... خروج مردم از نرده ممنوع شد
- ۳۰۳..... اسامی گروگان ها
- ۳۰۴..... انقلاب اسلامی متعلق به قشر و طایفه خاصی نیست
- ۳۳۹..... پیوسته ها

در دوران بلوغ، اندیشه علمی هیچ جبری برای فقر و عقب‌ماندگی وجود ندارد. اگر ضرورتی در کار عقب‌ماندگی است، آن ضرورت شرایط و نسبت‌های موجود در دوران است. می‌شود از ضرورت‌های دیگر کمک گرفت و با تغییر نمودن شرایط و نسبت‌ها، نتایجی دگرگونه به دست آورد. می‌توان به رستم زمانه چیره شد و فراوانی و بهروزی پدید آورد.

هدف هرگونه مطالعه و تحلیل اقتصادی، اجتماعی باید همین باشد. محقق هنگامی که موضوعی را بررسی می‌کند یکی از هدف‌های عمده‌اش شناخت است. این شناخت وسیله‌ای است ضروری برای پرداختن به مسائلی که با تغییر دادن کیفیت و کمیت‌ها و نسبت‌های موجود، زندگی اجتماعی و معیشت آدمیان را بهبود بخشد. هیچ اصل از پیش‌پرداخته‌ای را نمی‌توان معرف واقعیت ناشناخته‌ای به حساب آورد. البته محده یعنی در کار است ولی نمی‌توان به انتظار نشست تا همه جزئیات قابل‌تصور گرد آید، زیرا زمانه بر ما پیشی می‌گیرد. بعلاوه سیر حیات درنگ ندارد، واقعیت و طبعاً هر واقعیت اقتصادی-اجتماعی، در حرکت و تحول مدام است. اگر زیاد درنگ کنیم بیم آن است که هر چه گردآورده‌ایم فقط در گنجینه اربع می‌گیری پس همین‌که وسایل و معلومات معقول فراهم آید، می‌توان کار تحقیق را آغاز کرد و ضمن کار از هر شانه و اطلاع تازه‌ای مدد گرفت. در این مسیر دشوار است که محقق به شناخت واقعیت نزدیک می‌شود، اما هنوز کار پایان نیافته است. باید کار را ارزیابی و هر عامل مؤثر را در زمینه‌ی تحقیق مشخص کرد و اثرشان در یکدیگر را سنجید و تحول آتی حوادث و واقعیت‌ها را پیش‌بینی نمود و راه می‌وان به مرحله راه‌یابی رسید و طرحی برای حل مسئله معینی فراهم آورده، با جبر زمانه در افتاد و مطالعه را از اطاقهای کار به صحنه زندگی آدمیان کشید.

مطالعه ساختار سازمان ایلات و عشایر در کشور ایران از قاعده فوق مستثنی نیست. رعایت مطالعه، شناخت همه سو نگر از مورد مطالعه است. نویسنده بر این تحقیقات راجع به این کتاب، زمینه‌های مطالعاتی در پیرامون ایلات و عشایر را مساعد کرده تا داده‌ها و منابع اطلاعات پایه‌ای را با ترتیب و نظم برای پژوهش اجتماعی - اقتصادی جامعه عرضه نماید. حال بر عهده نویسنده و حقیقت پژوهش است که بر جمیع ابعاد شناخت ایل‌ها و ایلات عشایر زمین و زمان باهم دیگر فرق دارند، اگر به ریشه اصل ایل‌ها جلا و مورد تبیین قرار دهیم این بزرگواران جوامع در انطباق با معانی واقعی مفاهیم به‌کاررفته نیست. مقبول آن است که از روانه در حال تکوین عشایری - دهقانی و

عشایری - شهری سخن رانده شود زیرا ایلات فعلی ایران تنها در صحرائشینان محض یا چادر نشین دائمی که هیچ محل سکونت در روستا و شهر نداشته باشند تشکیل نشده است، علاوه بر این گروه نیمه صحرائشینان که بخشی از سال را در چادرها و بخشی دیگر را در روستاها به سر می‌برند جزء جامعه عشایری ایران به شمار می‌روند. علاوه بر این دو گروه، بعضی از صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که طوایف اسکان‌یافته به شرط از دست ندادن وابستگی ایلی جزء عشایر به حساب می‌آیند.

حیات اجتماعی و اقتصادی در اکثر نقاط ایران، قدمتی دیرینه دارد و از دیرباز به اشکال و گونه‌های متمایز (عشایری، روستایی و شهری) وجود داشته و به اقتضای شرایط طبیعی و جغرافیایی منطقه سازمان یافته است.

سه نحو طوایف از چادر نشینی به اسکان کامل در تمام مناطق ایران از الگوی واحدی تبعیت نمی‌کند. کوشش که یکی از جغرافیدان آلمانی درباره ایلات شیخ احمد و کهریزه عجم سولدوز (نقده) مناطق کوه و دامنه‌های بابادین و گلوان به عمل آورده است، شمای عمومی روانه اسکان طوایف عشایر و ایلات روستا (قاراپایاق) را در این منطقه نشان می‌دهد، بعضی کارشناسان جهاد سازندگی در بدو پیروزی انقلاب در بعضی موارد و نقشه‌های ایلاتی تقسیم‌بندی کرده‌اند درست نبوده و بایستی بیشتر تحقیق و تفحص می‌کردند. ایل عشایر با ایل اوغوز (قاراپایاق) زمین و آسمان فرق دارند، بایستی دقیق این کوچ‌نشینان را از تمام ایل و طایفه و اوبا می‌باشند مورد امعان همگان قرار داد؛ که در ایل کوچ‌نشین قاراپایاق آنی ابراهیم وجود نداریم ایشان از طایفه حیدرلو و حسن کرملی شیخ احمد نقده می‌باشند، عشایر چادر نشینان که به آنها شایانی می‌گویند عبارتند از: میرزا علی چوپانی، حاج حسین عسگری و فرزند ایشان محرم عسگری و آدم‌های باشخصیتی هستند که سالیان سال است با ایل قاراپایاق زندگی آبرومندان‌های کردها و حتی عشایر دیگر عدل پوزش فرزند حاج نماز و برادرش حاج وهاب پوزش که از شیخ احمد به کهریزه عجم کوچ و سکونت کرده و ایل حیدرلو بوده و ایل قاراپایاق نیستند و چادر نشینان ایل قاراپایاق سه طایفه شده که سالیان سال بوده در اواسط اردیبهشت‌ماه به مدت ۴۵ روز به مکانهای بیلاقی - خان طاووس - کهریزه عجم - تازه کنندیم - گلوان - دواب هرکدام با طایفه و اوباهای خود با یک هزار رأس گوسفند با چادر بزرگ وزن و هرکدام چادر نشینان با تراکتورهای هانی‌ماک و تریلی بزرگ برای حمل خانواده‌های خود و کارگران زن برای دوشش گوسفندان انجام می‌دادند و این افراد عبارت بودند از: حاج عبدالله دیلمقانی - حاج حسن ولی پور و برادرانش - سلمان اطمینان - یخشعلی بهرامپور - محمدحسین گله‌بان از دهستان حسنلو و بهمن خان خسروی از چیانه نقده - سیف‌الدین خان و حسینعلی خان و

امیر فلاح‌ها از بخش محمدیار بودند و تمامی این افراد بعضی از آنها مثل دکتر بهمن خسروی رئیس ایل قاراپایاق و سایرین حسینعلی خان فاطمی و سیف‌الدین خان حبیبی، خان و ایل این خان‌ها پاشاخان امیر فلاح بود و بقیه افراد نامبرده شده اشخاص با ثروت و دارای زمین‌های زراعتی کلان و خانه‌های اعیان‌نشین در مناطق خود داشته‌اند. تمامی ایل‌های قاراپایاق از تمامی زراعات و احشام خود خمس و زکات می‌دادند. نمودار اساسی صحرائشینی به معنای اخص است. در این الگو رابطه بخصوص با روستا و شهر وجود ندارد. مسیر کوچ معمولاً طولانی بوده و بانظم مشخص از مراتع زمستان به سوی مراتع تابستان و بالعکس جریان داشته، چادرنشینی شیوه عام سکونت است. هرچند این شیوه حالت کاملاً ایده‌آل را تصویر می‌کند بر خوردهای دوستانه و خصمانه با طوایف اسکان‌یافته و با طوایف دیگر قابل تصور است.

با از بین رفتن تدریجی ایل اصلی چادرنشینی شخصی می‌شود. دلیل اصلی تغییر هویت چادرنشینی در محدودیت بعضی منابع غذایی گیاهی (فقیر شدن مراتع) خلاصه می‌شود. محدودیت موجود، تحریک مکان را می‌سازد و به تبع از این تأثیر مسافت کوچ، شیوه سکونت و کم و کیف فعالیت‌های اقتصادی با دیگر گونه‌بایی مواجه می‌شود، فعالیت‌های اقتصادی تنوع پیدا می‌کند، مسافت کوچ کوتاه‌تر می‌گردد. شیوه سکونت از چادرنشینی به سکونتگاه‌های فصلی در دهات ایلی (قاراپایاق) تبدیل می‌شود. در بعضی موارد اسکان دائمی در روستاهای سولدوز و یا حتی در روستاهای دیگر منطقه صورت می‌پذیرد.

این کوچ‌نشینان در صورت امکان صاحب زمین زراعتی در منطقه بلای که داشتند به زراعت می‌پرداختند و یا در غیر این صورت به فعالیت‌های خدماتی متوسل می‌شدند.

زمانی تحقق می‌یافت که ستون دوم اقتصاد ایل و طایفه و اوبای، یعنی مراتع بیلاقی در برابر سؤال قرار گیرد، به علت توسعه سطح زیر کشت و یا استفاده دهقانان از مراتع عرصه برای چادرنشینیان تنگ گشته و لزوماً تدابیر اسکان را اتخاذ می‌کنند. در این روانه:

- قسمت کوچک از ایلات از مراتع بیلاقی استفاده می‌کنند.
- مسیر کوتاه در حاشیه دهات اسکان‌یافته انتخاب می‌شود.
- سطح زیر کشت گسترش می‌یابد. کشاورزی جایگزین مرتع‌داری می‌گردد، دهات عشایری به دهات سنتی تبدیل می‌شوند.
- با ارائه خدمات کار به‌عنوان کارگری در مناطق روستایی و شهری و تداوم آن، موجبات ادغام تدریجی عشایر در جوامع روستایی و شهری فراهم می‌شود.

از آنچه که نقل شد برمی‌آید که چه دهقانان و چه عشایر به بهره‌برداری زراعی دامی روی آورده‌اند و با استفاده از خدمات چوپانان به رمه گردانی در حول و حوش مراکز سنتی خویش می‌پردازند. به عبارت بهتر، اقتصاد دهقانی تدریجاً با اقتصاد ایلاتی ترکیب می‌یابد.

سیستم این نقل و انتقال را نشان می‌دهد.

ایلات و عشایر ایران تحت تأثیر برآیند نیروهای عوامل و جاذبه اسکان که در نمودارهای ترتیب یافته است پدید اسکان در مراکزی که خود آن را بنا نموده‌اند (روستاهای عشایری) و یا در روستاهای مسر و نهایتاً در شهرهای مجاور را پذیرا شده‌اند. بنا بر آنچه که گذشت کوچ یا چارنشینی یا به‌طور کلی الگوی سکونت نمی‌تواند ملاک تحدید حدود ایلات و عشایر باشد. برای این کار ناگزیر باید به جستجوی ضابطه‌های دیگر بود. صاحب‌نظران بر این اعتقادند که دو ضابطه یعنی، عضویت در سازمان ایلی و داشتن سرزمین مشترک، در تعریف عشایر از مقبولیت بیشتر برخوردار بوده است. بر این اساس خانواده‌های را عشایر می‌نامیم که چه کوچرو و چه اسکان‌یافته در سازمان ایلی (اولاد- طایفه - تیره) عضو بوده و سرزمین مشترکی داشته باشند. معمولاً حق استفاده از مراتع و منابع سرزمین مشترک، خود ناشی از عضویت در یکی از رده‌های سازمان ایلی است. هنگامی که خانواده‌هایی از ایلی تشکیل شده به کشاورزی می‌پردازند عملاً یا رسماً استفاده از مراتع را از دست می‌دهند ولی تا مدتی سازمان ایلی خود را حفظ می‌کنند. بنا بر عناصر تشکیل‌دهنده تعریف (عضویت در سازمان ایلی و داشتن سرزمین مشترک) این خانواده‌ها از جامعه عشایر حذف خواهند شد.

ایل مطرحه اوغوز (قاراباق) طبق مستندات و تواریخ و سوغات ایل گرجستان شوروی و در تمام درگیری‌ها به‌ناحق دشمنان اسلام پیش‌قدم و در راه اسلام شهید و با اسیر شدن و در مواقع کوچ از گرجستان که یک ایل پر قدرت و ثروتمند و حتی هر ده‌ساله و اوبا دارای چندین اسب و قاطر طلاجاتی با خود می‌آوردند و به مناطق شهرهای ایران سکونت و ایل بوزچلو که از سلماس به طرف ارومیه در حرکت بودند خیانتکاران و راهزنان مسلح (جیلو) اموال طلاجات این ایل شبانه چپاولگری و به سرقت می‌بردند که با هزاران بدبختی به دشت سولدوز رسیدند و یکی از مسائل مطروحه در مطالعات و پرس جو از نیاکان ایل چادر نشینی و عشایری ایران زمین آشفتنگی در تعریف است. سخن گوی حقیقی نیاکان و پیرمردان قدیمی بوده، حقایق بیان و بر صفحه کاغذ آورده شده است و اما یک محقق مراکز اجرایی و که نویسنده این کتاب هم در روستای حسلو از

یک جوان ۲۰ ساله مرکز آماری ایل‌ها را پرس‌وجو می‌کرد و این عمل آمار به مرکز ارسال و به‌عنوان مختلف آمار و یا در کتاب‌های مختلفی چاپ و نقیض در اختیار مردم گذاشته می‌شد و به لحاظ همین آشفتنگی در تعریف برآوردهای مختلفی از تعداد جمعیت عشایر ایران کرده‌اند که برآوردهای موجود در حدود سال‌های ۱۳۶۵ - ۳۰۰ هزار تا نزدیک ۶ میلیون نفر در نوسان است. عدم وجود تعریف جامع و مانع و مورد قبول محافل علمی و اجرایی و عدم توجه به سرشماری‌های عمومی به جوامع ایلات و عشایر یکی از مشکلات عام بررسی‌های ایلات و عشایر ایران و علی‌الخصوص ایل اوغوز بوده است. با کوشش‌های اخیر مرکز آمار ایران و با انجام سرشماری‌های عشایری (جمعیت کوچنده) اخیر و انتشار نتایج آن انتظار می‌رود خلاء اطلاعاتی ایلات عشایر در حد ممکن پر شود. کتابی که آن را در زیر نگاه‌دارید از داده‌های اطلاعاتی سرشماری ایلات نشأت گرفته است. محقق و پژوهشگر استاد بزرگوار و تحلیل‌گر اجتماعی پدر ارزشمندم بهمن بهرامپور در کنار فعالیت‌های سررزم و امداری و پرورش ماهی با تلاش‌های فراوان آحاد ایل‌ها و مخصوصاً تاریخ و رشادت‌های ایل اوغوز (ایل بوزچلو) در شهرستان نقده (سولدوز) در نظم سازمان این ایل (بوزچلو) تنظیم کنند. بی‌سک و ناب حاضر گنجینه اطلاعات فنی و جدید از زمینه ایل بوزچلو را ارائه می‌دهد ولی چنانچه انتظار می‌رفت در کتاب حاضر الگوی سازمانی ایلات آذربایجان غربی و پراکندگی ایل (اوغوز) در شهرهای ایران حتی در ترکیه در مرکز آمار تاریخی ایران به علت گرفتاری و ناراحتی قلبی پدر تحقیقات بیشتر را این بوده تا به سرانجام این ایل باشد، یقیناً صفحات کتاب از ۲۰۰۰ صفحه به بالا می‌بود. با بهره‌گیری از داده‌های اطلاعاتی کتاب حاضر طرح‌های تحقیقاتی ویژه‌ای را برنامه‌ریزی کنند و با روش مردم‌شناسی این ایل، جنبه‌های مختلف مطالعاتی ایل‌شناسی مثل پیدایش و تکوین ایلات (تاریخ)، کم و کجای جایی (کوچ) برابری و نابرابری (طبقات)، روحیات، نظام ارزش‌ها و نظام رفتاری و دینی وابسته به زندگی و روانشناسی اجتماعی ایل بوزچلو، انسان‌شناسی اجتماعی و فرهنگی و حتی شخصیتی و صبوری ایل قاراپایاق و حتی در میدان‌های دفاع نوامیس و انسان‌شناسی و برخورد در اجتماع بزرگان و حیا و حرمت جوانان در نزد بزرگان خود و دیگران، چگونگی معیشت، این ایل اگر از گرسنگی بمیرند، لب به گدایی و حلال و حرام را محترم می‌شمارند و راضی نیستند در زندگی خود کسی به او آزار نرساند به او بدی کنند.

به اعتقاد نگارنده آنچه که در شرایط از اولویت برخوردار است اهمیت اقتصادی ایل قاراپایاق و نقش آن در خودکفایی محصولات دامی و زراعتی کشور است. با مروری به مطالعات محدودی که در

زمینه اقتصاد این ایل و ایلات ایران انجام شده است و با توجه به پیچیدگی حیات اقتصادی ایلات که در نمودار از صاحب نظران اقتصاد به طور اعم و اقتصاد کشاورزی و منابع طبیعی به طور اخص انتظار دارد مطالعات اقتصادی ایلات و حتی در سرلوحه رقابت های جنگی و تحقیقی خویش قرار دارد. به این امید که رسالت علمی و مجاهدت دین داری شیعی و ایلی خویش را به نحو احسن و شایسته و بایسته به انجام خواهد رساند و همیشه و در همه وقت پیش قراول در دورافتاده ترین مناطق سردسیری از این مرزوبوم خود، ایران زمین سینه های خودشان را در مقابل زورگویان و در هیچ وقت و ثانیه ها دلیر مردان این ایل غائله تاریخ ۱۳۵۸/۱/۳۱ و ۱۳۵۸/۲/۱ و ۱۳۵۸/۲/۲ را فراموش نخواهد کرد.

یاسمن بهرامپور

فوق لیسانس: مرمت اشیا و تاریخ فرهنگی

۱۳۹۴/۲/۲۴